

# یک، دو، سه؛ آخرین پرواز

**[سپما فراهانی]** ترس را گم کرده بود. زندگی را در آسمان‌ها یافته بود. در همان آسمان هم ابدی شد. به آرزویش رسید. همان رویایی که همه دوستان و آشناهایش از آن حرف می‌زدند. لباس آتش‌نشانی به تن کرده بود. لباسی که آرزو داشت یک روز به تن کند. با همان لباس به آسمان‌ها پیوست. محمد بزرگی چتر باز معروف کشورمان بود. به یاد شهدای ساختمان پلاسکو، جانش را داد. می‌خواست یاد آنها را زنده نگه دارد، اما نمی‌دانست که این مراسم به بهای جانش تمام می‌شود. به ارتفاع رفت. از آن بالا هیجانش برای پریدن زیاد بود. مثل همیشه که از پرند بودن خود لذت می‌برد، اما درست سه ثانیه با مرگ فاصله داشت. ۵۶ متر ارتفاع بود. ولی سقوط مرگبار او تنها سه ثانیه طول کشید. چتر، یار او نشد. محمد بین زمین و آسمان تنها ماند. یار همیشگی اش او را در نیمه راه تنها گذاشت. چتر باز نشد. محمد بزرگی سقوط کرد. او که بارها تا پای مرگ رفته بود، این بار اما نتوانست جان سالم به در ببرد. چتر باز معروف ایرانی که از هیچ خطری نمی‌ترسید، به یاد شهدای پلاسکو جانش را داد.

## سه ثانیه تا مرگ

یک، دو، سه، دقیقا به اندازه همین سه عدد همه چیز ویران شد. آسمان و زمین برای محمد بزرگی یکی شد. همه چشم‌ها به بالا بود. همه نظاره‌گر این مرد پرند بودند. قرار بود باز هم یکی از همان پرش‌های هیجان‌انگیز خود را انجام دهد. ساعت ۸ صبح بود. شرایط هوا کمی نامساعد بود، اما محمد می‌خواست با پریدن از بالای نزدبان جرقیل آتش‌نشانی با چتر به زمین فرود بیاید. دوست نداشت از این کار دست بکشد، اما ناگهان در فاصله ۵۰ متری زمین که قرار بود چترش باز شود چتر به دور خودش پیچید. گره خورد و این جوان به شدت روی زمین سقوط کرد.

## می‌خواستیم مراسم را کنسل کنیم

دانیال وحدتی از دوستان صمیمی محمد است. دوستی که درست در لحظات آخر، در سه ثانیه شوم، نظاره‌گر پرواز مرگبار رفیقش بود. او آن صبح پنجشنبه را برای خبرنگار «شهروند» اینطور روایت می‌کند: «شرایط آب و هوا مناسب نبود. آن روز همراه محمد بودم. جمعیت زیادی آمده بودند تا پرواز محمد را تماشا کنند. همسرش آنجا بود، من و یکی دو نفر از دوستان صمیمی اش هم آنجا بودیم. آتش‌نشانان هم حضور داشتند. مراسم در ایستگاه آتش‌نشانی در فاز یک اکباتان برگزار شد. مردم هم آمده بودند. به محمد گفتیم شرایط هوا نامساعد است. گفت می‌دانم ولی برای کنسل کردن خیلی دیر است. به این همه مردمی که آمده‌اند تا مراسم را تماشا کنند چه بگوییم. گفت خودم انجامش می‌دهم. می‌دانست که پرواز سختی را پیش رو دارد.»

## بزرگ‌ترین آرزوی مرد پرواز

محمد پیش از این هم بارها خطر کرده بود. بارها تا پای مرگ رفته بود. برای همین تصویری کرد که این بار نیز از پس آن برمی‌آید: «محمد گفت حالا که این جمعیت آمده نمی‌توانیم کنسل کنیم. او آماده شد و رفت برای پرواز. من بای سیم از پایین شمارش معکوس می‌خواندم. یک، دو، سه. به کوتاهی همان یک دو سه رفیقمو از دست دادم. از داخل عینکم می‌دیدم دارد تلاش می‌کند تا چتر را باز کند. ولی کاری از دستم بر نمی‌آمد. انگار عزرائیل با شمارش معکوس من خودش را آماده کرده بود. باد ناگهان پیچید. محمد خیلی پرش داشت. او اصلا بی تجربه نبود. می‌دانست این کار خطرناک و ولی عشقش را داشت. باد، پایلوت را روی صورتش قرار داد. چتر باز نشد. محمد همیشه می‌گفت اگه قرار باشد به زودی بمیرم دوست دارم در پرواز بمیرم. او به آرزویش رسید. اولین عزیز بود که کنارش و بالای سرش بودم. دیدن آخرین نفس رفیق بزرگ‌ترین درد دنیا است.»



## تمام مجوزها را داشت

وحدتی در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: «محمد متولد سال ۲۲ بود. او از سال ۹۴ پرواز را شروع کرد. البته تا پیش از آن خلبان پاراگلایدر بود. شغلش هم پیمانکار خطوط انتقال آب بود. ولی تمام عشقش پرواز بود. همسرش هم چتر باز است. آنها سال ۹۱ با هم ازدواج کردند. دو برادر هم دارد. پدرش هم در قید حیات نیست. در خانواده‌شان فقط محمد و همسرش چتر باز بودند. محمد از هیچ خطری نمی‌ترسید. عاشق این بود که یک بار با لباس آتش‌نشانی این کار را انجام دهد. برای آتش‌نشانان احترام بسیار ویژه‌ای قائل بود. تمام دغدغه‌اش این بود که به یاد شهدای پلاسکو این کار را انجام دهد. تمام مجوزهایش را هم گرفته بود. از شهرداری، آتش‌نشانی و تمام ارگان‌های مربوط. خودش هم کلی هزینه کرد. یعنی نه تنها پولی در کار نبود، بلکه از جیب خودش هم هزینه کرد. در آخر هم به آرزویش رسید.»

## عشق به لباس آتش‌نشانی

یکی دیگر از دوستان نزدیک محمد، روایت برگزاری این مراسم را توصیف می‌کند و می‌گوید: «از شیراز برمی‌گشتیم. محمد به من گفت می‌خواهم برای شهدای آتش‌نشانی پلاسکو کاری انجام بدهم. از من خواست کنارش باشم. من هم گفتم با افتخار قبول می‌کنم. خواست تا با دوستان آتش‌نشانان هماهنگ کنم تا بتواند لباس عملیاتی آنها را بپوشد و ببرد. من هم هماهنگ کردم. او رفت و لباس آتش‌نشانی را پوشید. نزدبان را هم دید. خیلی ذوق داشت. به من پیام داد و گفت نمی‌دانی چه حالی دارم که این لباس مقدس را بپوشیدم. بغض کرده‌ام. خلاصه کلی با هم حرف زدیم. رفت دنبال مجوزهای این کار. در تمام مراحل با او در تماس بودم. حتی یک بار گفت که روز جمعه هماهنگ شده تا بپرد. ولی بعد گفت به خاطر مشکلات پیش آمده در صدور مجوز، جمعه کنسل شد. من داشتم به سفر می‌رفتم. به من زنگ زد و گفت که خیلی ذهنش درگیر است. موانع زیادی وجود دارد. من هم گفتم هر چه دلت می‌گوید. می‌گفت شاید اصلا بی خیال شوم. چند روز بعد تماس گرفت و گفت من پنجشنبه می‌پریم. گفت خیلی فکر کردم توکل بر خدا می‌خواهم بپریم. از من خواست کنارش باشم، اما من در سفر بودم و نتوانستم پیش او بروم.

پدر معین شریفی جوان گمشده جنگل کرد کوی:

## منتظر جواب آزمایش DNA هستیم

با گذشت چند روز از کشف وسایل معین شریفی جوان کردکویی که از چهار ماه قبل در جنگل کردکوی مفقود شده بود، پدر معین ماجرای کشف وسایل او را روایت کرد. بعد از چهار ماه از زمان مفقود شدن «معین شریفی»، جوانی که غروب یک روز تابستانی برای پیاده‌روی به مناطق بالادست پارک جنگلی کردکوی رفت و دیگر خبری از او نشد، چند روز قبل لباس‌ها و تلفن همراه این جوان به همراه بخشی از بقایای یک جسد در جنگل یافت شد. پدر معین درباره ماجرای پیدا شدن وسایل پسرش گفت: «بعد از ظهر جمعه ۲۶ دی ماه تعدادی از کوهنوردان شهرستان در مسیر پیاده‌روی خود در جنگل، کفشی را پیدا کردند. با توجه به اینکه یکی از آنها قبلا همسایه معین بوده و از ماجرای گم شدن او خبر داشت، با احتمال اینکه کفش برای معین باشد آن را برایش آوردند و فردای آن روز به محل پیدا شدن کفش رفتیم. بعد از جست‌وجو در آن محل تلفن همراه معین که از نظر ظاهری سالم بود، اما در آن باتری وجود نداشت را پیدا کردیم.» او در ادامه گفت: «بعد از آن، موضوع را به پلیس اطلاع دادیم و روز یکشنبه نیروهای هلال احمر، پلیس و کوهنوردان به محل پیدا شدن وسایل آمدند و به فاصله حدود ۵ متر جمجمه و به فاصله ۵ متر دیگری شرت و شلوار گرمکن در نزدیکی آن چند تکه استخوان دیگر کشف شد.» پدر معین گفت: «هیچ‌یک از وسایل کشف شده و استخوان‌ها در داخل خاک قرار نداشتند و تنها مقداری برگ روی آنها قرار داشت و اینکه گفته شده اینها در داخل خاک پیدا شده، درست نیست.» نعمت‌الله شریفی که خود در گذشته به نیروهای هلال احمر شهرستان کردکوی برای یافتن افراد گمشده در جنگل کمک می‌کرد، افزود: «در نزدیکی محلی که این وسایل پیدا شده چندین کلبه جنگلی وجود دارد که کوهنوردان همواره در آنجا حضور می‌یافتند. جی‌پی‌اس هلال احمر نیز نشان می‌دهد که در روزهای نخست مفقود شدن معین این محل جست‌وجو شده است. اینکه چطور هم کوهنوردان و هم نیروهای هلال احمر با این وسایل روبه‌رو نشدند، جای تعجب است.» او ادامه می‌دهد: «می‌گویم که ماشینی معین پارک بود، به سمت محلی که این وسایل پیدا شد صعب‌العبور و حدود ۱۲۰ متر مسیر با شیب زیاد است و توجیهی ندارد که معین برای پیاده‌روی به آنجا رفته باشد.» او با اشاره به اینکه وسایل پیدا شده برای معین است، اما مشخص نیست بقایای این جسد متعلق به چه کسی است، گفت: «دو روز قبل پزشکی قانونی آزمایش DNA گرفت و منتظر جواب آزمایش هستیم.» پدر معین با اشاره به فرضیه‌های مختلف درباره این موضوع، بیان کرد: «کشف و لباس گرمکن پیدا شده سالم هستند و هیچ ردی از اصابت گلوله یا پاره شدن آنها توسط حیوان وجود ندارد.» او از عوامل نیروهای انتظامی، هلال احمر و کوهنوردان خصوصا گروه کوهنوردان و لاغوز و خانواده امامی که در پیدا کردن این وسایل همراهی داشتند، تشکر کرد. پس از کشف بقایای این جسد، نیروی انتظامی و دادگستری پیگیر موضوع هستند تا در نهایت مشخص شود چه اتفاقی رخ داده است.

## جاسازی ۱۶ هزار دلار قاچاق زیر زمین موتور

[شهروند] ۲ دلال ارز با ۱۶ هزار دلار از خارجی در مرکز تهران به دام افتادند. با هدف مبارزه با مخلفان اقتصادی و پیشگیری از اختلال در نظم عمومی، تیم اطلاعاتی کلانتری ۱۰۹ بهارستان ظهر روز چهارشنبه موفق شد ۲ دلال ارز را که با استفاده از یک دستگاه موتورسیکلت در حال پرسه‌زنی در اطراف میدان فردوسی بودند، شناسایی کند. تیم گشت انتظامی کلانتری برای بررسی موضوع تغییر مسیر داده و به موتورسواران نزدیک و متهمان که متوجه حضور گشت کلانتری در نزدیکی خود شده بودند، از محل متواری و عملیات تعقیب متهمان آغاز شد. پس از مدتی تعقیب و گریز، هردو متهم دستگیر و موتورسیکلت‌شان توقیف شد. ماموران در بررسی موتورسیکلت متهمان، ۱۶۵ قطعه صد لاری که در زیر زمین موتورسیکلت جاساز شده بود، کشف کردند. سرهنگ جلیلیان، سرکلانتر هفتم پلیس پیشگیری با اعلام این خبر گفت: «کارشناسان ارزش دلارهای کشف شده را بیش از ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال برآورد کردند که به همراه متهمان پس از تکمیل پرونده مقدماتی تحویل مراجع قضائی شد.»

## پایان کار حفران عتیقه

صبح جمعه یک باند حفران غیرمجاز غیربومی که قصد تخریب آثار تاریخی و فرهنگی را داشتند، در جنگل قانون گرفتار شدند. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایلام در رابطه با دستگیری متهمان گفت: «از این متهمان یک دستگاه فلزیاب و متعلقات مربوطه و یک دستگاه خودرو سواری کشف و ضبط شد.» او با بیان اینکه متهمان جهت سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضائی شدند، افزود: «به استناد ماده ۵۶۲ قانون مجازات اسلامی هرگونه حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اموال تاریخی و فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از ۶ ماه تا سه سال و ضبط اشیای مکشوفه به نفع وزارت میراث فرهنگی کشور و ضبط آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می‌شود.» مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایلام یادآور شد: «با توجه به وجود آثار تاریخی فراوان در استان برای تشکیل انجمن‌های میراث فرهنگی با هدف نظارت و مراقبت بیشتر از آثار تاریخی اقدام شده است.» استان ایلام یک هزار و ۵۰۰ اثر تاریخی، طبیعی و گردشگری دارد که ۷۷۴ اثر آن تاکنون در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده که از این تعداد ۱۷۳۷ اثر تاریخی، ۱۲۴ اثر منووی، ۶ اثر طبیعی و هفت اثر نیز مکان رویداد دفاع مقدس است.

## شرایط جوی نامساعد

این در حالی است که سرهنگ بهزاد پاینده، بنیانگذار پرش بیس جامپ در ایران، محل این حادثه را بررسی کرده است. او به عنوان کارشناس در این باره به «شهروند» گفت: «من طبق تجربه‌ای که دارم، بر اساس بررسی‌ها ۹۵ درصد، شرایط جوی نامساعد را دلیل این اتفاق می‌دانم. البته خودم در آنجا حضور نداشتم. نمی‌توان به صورت قطعی نظر داد. ولی طبق تجربیات و بررسی صحنه این را می‌گویم. معمولا در اینگونه پروازهای با ارتفاع کم، چتر دوم وجود ندارد. چون اصلا زمان استفاده از چتر دوم نیست. فرد فقط فرصت دارد که یک چتر باز کند. اگر باز نشد حادثه رخ می‌دهد. دیگر وقتی برای استفاده از چتر دیگر نیست. برای همین چتر دوم برای ارتفاع‌های بالای هزار متر استفاده می‌شود. این پرش‌ها کوتاه است و از برج‌ها، آنتن‌های مخابراتی، پل‌ها و صخره‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین فکری نمی‌کنم همه چیز استاندارد بوده و شرایط هوا چنین اتفاقی را رقم زده است. من، محمد بزرگی را می‌شناختم، او چتر باز ماهر بود. بارها از خطرهای مختلف جان سالم به در برد. احتمالا در آن لحظه باد زیاد شده، مسیر منحرف شده و دستگیره چتر جایی درگیر شده که این سقوط رخ داده است. این را هم می‌دانم که او تمام مجوزهایش را گرفته تا توانسته برنامه چنین پرشی را ترتیب دهد.»

## برنامه ریزی شخصی

ابراهیم کریمی، نایب رئیس انجمن ورزش‌های هوایی نیز در این خصوص گفت: «این پرواز کاملا شخصی بوده که این چتر باز فوت شده است. طراحی این پرواز کار شخصی بوده و ارتباطی با انجمن نداشته است. ما مجوزی در این خصوص صادر نکرده بودیم. یک چتر باز به طور شخصی می‌تواند از هر جایی ببرد. محمد بزرگی مجوزی برای انجام این مراسم از ما نگرفته است. البته اکنون مهم‌ترین موضوع این است که یک چتر باز خوب آن هم در سالگرد شهدای پلاسکو از بین ما رفته است که به خانواده ایشان تسلیت عرض می‌کنیم.»